

شناسایی و مقابله با جرایم تروریستی در چارچوب مفاد سند الحاقی به اساسنامه دیوان آفریقا*

پیمان نامامیان**

چکیده

قاره آفریقا به دلایلی نظیر جاهلیت، فرقه‌گرایی، تحولات سیاسی و اقتصادی، عدم وجود یک دولت ملی، گسترش فساد و غیره همیشه مستعد ظهور گروه‌های تروریستی و بازیگران غیردولتی در ایجاد ناامنی بوده است. این در حالی است که یک چهارم میانگین اقدامات تروریستی در جهان در آفریقا روی می‌دهد، زیرا گروه‌های تروریستی در نیمی از کشورهای آفریقایی فعال هستند. از این رو، به رغم تصویب اسناد متعددی از سوی جامعه بین‌المللی و ایجاد ساختار در قالب تصویب اساسنامه روم برای تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی و نیز تأسیس محاکم کیفری بین‌المللی موردی و مختلط، اما سازوکارهای حقوقی محاکم مزبور به نحوی در مقابله با جرایم بین‌المللی در قاره آفریقا از طریق اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی مؤثر نبود، چرا که موضع دیوان برای رسیدگی به جرایم تحت صلاحیت، دولت‌های آفریقایی را با چالش‌هایی مواجه ساخت که در سال‌های متمادی و دهه‌های اخیر موجبات عدم همکاری، تهدید به خروج یا کناره‌گیری از دیوان با ادعای عدم در نظر گرفتن مصونیت سران عالی‌رتبه حاکمیتی و نیز رسیدگی‌های تبعیض‌آمیز در قلمرو صلاحیت قضایی دیوان، فراهم نمود. بنابراین، عدم همکاری دولت‌های آفریقایی با دیوان منجر به تأسیس دیوان آفریقا و الحاق سند «مالابو» به آن در سال ۲۰۱۴ شد که وفق ماده «۲۸ج» سند الحاقی به اساسنامه دیوان آفریقا، رسیدگی به جرایم تروریستی در صلاحیت قضایی دیوان آفریقا قرار گرفت. از این رو، این مقاله برای شناسایی قلمرو صلاحیت دیوان، ضمن مطالعه نگرش سند الحاقی در مصداق‌سنجی جرایم تروریستی، چالش‌های پیش‌روی دیوان آفریقا را در دستاوردهای حقوقی وفق چارچوب سند الحاقی مورد سنجش قرار می‌دهد.

کلید واژه‌ها: تروریسم، جرایم تروریستی، دیوان آفریقا، سند الحاقی مالابو، عدالت کیفری.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۷ - نوع مقاله: علمی، ترویجی.

** استادیار گروه حقوق دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اراک/



مقدمه

امروزه مبارزه با پدیده تروریسم به یک امر مبتلا به نظام بین‌المللی مبدل گردیده است؛ چرا که وضعیت نابه سامان ناشی از وقوع آن نه تنها موجب خدشه‌دار شدن امنیت انسانی شده، بلکه صلح و امنیت ملی و بین‌المللی را مورد هجوم خود قرار داده است. بنابراین با چنین شرایطی به نظر می‌رسد تنها عزم راسخ جهانی می‌تواند به مثابه راهبردی ویژه در مبارزه با تروریسم تلقی گردیده و موجبات رفع شکاف‌های موجود در این رابطه باشد؛ افزون بر این، جرایم تروریستی و چالش‌های ناشی از آن موجب گردیده جامعه بین‌المللی اسناد متعددی را در مواجهه با آن‌ها به تصویب رساند.^۱

این در حالی است که کارشناسان سازمان ملل متحد طی گزارشی جدید تأکید کردند در نیمه نخست سال ۲۰۲۱ با گسترش نفوذ داعش و گروه‌های افراطی القاعده و زیر مجموعه‌های آن‌ها، آفریقا بیشترین لطمه را از تروریسم متحمل شد. کارشناسان مزبور طی گزارشی به شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۳ جولای ۲۰۲۱ اذعان کردند در مناطقی از غرب و شرق آفریقا که در آن وابستگان هر دو گروه هم می‌توانند از قابلیت‌های روزافزون در جمع‌آوری کمک مالی و سلاح، از جمله استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین برخوردار باشند، بسیار صادق است.

۱. مهم‌ترین کاستی و شکاف ماهوی و ذاتی در نظام حقوق بین‌الملل کیفری، عدم وجود یک کنوانسیون جامع تروریسم بوده که اقدام‌های تروریستی را به طور کلی کیفری قلمداد کند نه در موقعیت‌های ویژه که تحت پوشش کنوانسیون‌های ضدتروریسم موجود قرار دارند. وجود یک کنوانسیون جامع ضدتروریسم می‌تواند با بازنگری و اصلاح جنبه‌هایی از کنوانسیون‌های پیشین به هماهنگی و تلفیق‌سازی و تقویت کنوانسیون‌های موجود کمک کند. برای مثال، می‌توان از یک کنوانسیون جامع برای قرار دادن نسل اول کنوانسیون‌های ضدتروریسم در راستای نسل جدید آن‌ها استفاده کرده که با تصریح این مسئله عملی خواهد شد «برائت جرم‌سیاسی مقرر در معاهدات پیشین، میان دولت‌های عضو کنوانسیون جامع قابل اعمال نیست». هرچند این تطبیق‌دهی تنها برای دولت‌هایی مؤثر واقع می‌شود که عضو هر دو کنوانسیون جامع جدید بوده و اسناد مورد نظر را نیز اصلاح نمایند، این در حالی است که تحت حمایت جهانی قرار گیرد. همچنین معاهده ضدتروریسم جامع و جدید می‌تواند ابزاری مناسب برای به روز کردن چارچوب کلی راهبردهای حقوق بین‌الملل کیفری با استانداردهای موجود در نظام جهانی معاصر باشد.



در این گزارش تأکید شد بسیاری از موفق‌ترین شاخه‌های داعش در کشورهای آفریقای مرکزی و غربی هستند و بسیاری از شاخه‌های القاعده در سومالی و منطقه «ساحل» فعالیت دارند. به علاوه، کارشناسان سازمان ملل متحد معتقد هستند که این تروریست‌ها در حال گسترش نفوذ و فعالیت به ویژه در سراسر مرز از مالی تا بورکینافاسو، ساحل عاج، نیجر و سنگال و همچنین از نیجریه تا کامرون، چاد و نیجر در غرب آفریقا هستند، که این امر مایه نگرانی شدید است. افزون بر این، یکی از نگران‌کننده‌ترین تحولات در اوایل ۲۰۲۱ حمله گروه محلی وابسته به داعش به بندر راهبردی و مهم گازی موزامبیک در نزدیکی مرز با تانزانیا و تصرف کوتاه آن و عقب‌نشینی با غنایم بود.^۱

به هر روی، در راستای مقابله با جرایم تروریستی در کل جهان و به ویژه قاره آفریقا و در چارچوب تصویب اساسنامه روم در سال ۱۹۹۸ و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، سازوکاری برای مقابله با جرایم بین‌المللی مورد اهتمام مقرر گردید. در سال ۱۹۹۴، کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص پیش‌نویس دیوان کیفری بین‌المللی، پیشنهادی مبنی بر درج یک طبقه دیگر از جرایم در چارچوب صلاحیت قضایی دیوان از جمله «جرایم معاهداتی» شامل جرایم تروریستی، قاچاق مواد مخدر، تبعیض نژادی و تخلف فاحش و شدید از کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو را ارائه کرد که عدم توافق نظر در این رابطه، موجب گردید جرایم تروریستی در چارچوب صلاحیت قضایی دیوان قرار نگیرد.

حقوق بشردوستانه بین‌المللی مقررات زیادی را در بردارد که به طور مؤکد اقدام‌های تروریستی را ممنوع کرده است. ماده ۳۳ از چهارمین کنوانسیون ژنو در بخشی اشعار می‌دارد که مجازات‌های جمعی و کلیه اقدامات رعب‌انگیز یا تروریسم ممنوع هستند. یک مقرره مشابه در پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو قابل ملاحظه است: ماده (۲) ۵۱ پروتکل اول الحاقی در مورد مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و ماده (۲) ۱۳ پروتکل دوم الحاقی در مورد درگیری

1. <https://www.isna.ir/news/1400050200483>.



مسلحانه داخلی یا غیربین المللی در بخشی تصریح کرده اند: «اقدامات خشونت‌آمیز یا تهدید به خشونت که هدف اصلی آن اشاعه رعب و وحشت در میان مردم غیرنظامی می باشد، منع شده‌اند».^۱

مجمع سران دولت‌ها و کشورها درخصوص تأسیس يك «دادگاه آفریقایی حقوق بشر و ملت» پروتکلی را در «اوآگوداگو» در بوکینافاسو طی سال ۱۹۹۸ تصویب کردند که با اجرایی شدن آن در سال ۲۰۰۴ منجر به تأسیس «دادگاه آفریقایی حقوق بشر و ملت» گردید. به علاوه، اتحادیه آفریقا ضمن گسترش صلاحیت «دیوان آفریقایی حقوق بشر و ملت» و «دیوان آفریقایی دادگستری و حقوق بشر»، با ترکیب و تجمیع دیوان‌های مزبور تصویب «دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا» [یا «دیوان آفریقا»] را از طریق تصویب سند شرم‌الشیخ [از این به بعد «سند الحاقی» خوانده می‌شود] در ژانویه ۲۰۰۸ مطرح نمود، این در حالی است که اتحادیه آفریقا به این امر بسنده نکرد و در بیست‌وسومین اجلاس عادی خود در بیست‌وهفتم ژوئن ۲۰۱۴ در «مالابو» گینه، «سند الحاقی شرم‌الشیخ» را بازنگری کرد و اساسنامه منضم به «سند الحاقی مالابو» سی روز پس از تودیع پانزدهمین سند تصویب، لازم‌الاجرا شد. البته سند مزبور با اقتباس از اساسنامه روم دارای سه بخش مشتمل بر «امور عمومی»، «حقوق بشر و ملت‌ها» و «حقوق بین‌الملل کیفری»، به ساختار و صلاحیت‌های دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا افزود. (رمضانی‌قوام‌آبادی، ۱۳۹۷: ۲۸۱-۲۸۰؛ ر.ک: زمانی، ۱۳۹۲: ۶۴-۶۱) ازاین‌رو، با تشکیل شعب کیفری در دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا (دیوان آفریقا)، اولین بار خواهد بود که امکان رسیدگی به جرایم فراملی در صلاحیت کیفری دیوان بین‌المللی یا منطقه‌ای صورت خواهد پذیرفت. تلاش‌های

۱. وفق ماده (۲) پروتکل دوم الحاقی ارتکاب «اقدام‌های تروریستی» علیه غیرنظامیان ممنوع بوده و در هر زمان و هر مکان ممنوع خواهند بود. حقوق بشردوستانه بین‌المللی نیز شامل مقرراتی است که بدون استفاده از واژه «تروریسم» اقداماتی را منع می‌کنند که بسته به مقاصد، ملیت عامل و قربانی و سایر ملاحظات می‌توانند در معاهده‌ای ضد تروریسم منع شده باشند. به عنوان نمونه، ممنوعیت مقرر در ماده ۳ مشترک در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در رابطه با اقدامات خشونت‌آمیز علیه افرادی که هیچ نقش فعالی در خصومت‌ها ندارند برای بعضی اقدام‌های تروریستی کاربردپذیر خواهد بود.



گذشته برای تأسیس نهادهای مشابه، چه در سطح بین‌المللی و چه منطقه‌ای، با شکست مواجه شده‌اند.

در اقدام به تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی یا منطقه‌ای، چند سؤال نظری هم مطرح می‌شود. اساسی‌ترین سؤال با منشأ اختیارات دادرسی و مجازات محول‌شده ارتباط دارد که در آن مورد، دیوان دادگستری، حقوق بشر و ملت آفریقا (دیوان آفریقا) است.^۱

دیوان آفریقا نخستین دیوانی است که با تصویب ماده ۲۸ چ، وفق سند الحاقی صلاحیت رسیدگی به جرایم تروریستی را دارد. در واقع تاکنون هیچ دیوانی اعم از بین‌المللی و یا حتی منطقه‌ای چنین صلاحیتی را دارا نبوده است. البته شاید بتوان ادعا داشت تنها دیوانی که در این عرصه به دیوان آفریقا در رسیدگی قضایی نزدیک بوده «دادگاه ویژه لبنان»^۲ است. لازم به ذکر است که تاکنون توافقی حتی در سطح هنجاری، راجع به جرایم تروریستی برای ادراک و ایجاد سازوکاری حقوقی به عنوان ابتکار عمل در عدالت کیفری منطقه‌ای وجود ندارد. (See: Wedi Djamba, 2018)

با این حال، در سطح منطقه‌ای کنوانسیون‌هایی برای جرم‌انگاری عمومی اقدام‌های تروریستی شامل «کنوانسیون اتحادیه عرب راجع به مبارزه با تروریسم،

۱. تعقیب برخی از سران دولت‌های آفریقایی و ادعای اعمال عدالت‌گزینی دیوان کیفری بین‌المللی موجب ناخرسندی عمیق اتحادیه آفریقایی گردید. موضع‌گیری اتحادیه و برخی دول آفریقایی در قالب خروج از دیوان کیفری بین‌المللی مطرح و در نهایت با تدوین سند الحاقی ۲۰۱۴ تأسیس دیوان آفریقایی دادگستری و حقوق بشر دنبال شد. لازم به ذکر است دیوان آفریقایی دادگستری و حقوق بشر به دلیل عدم اجرایی شدن سند الحاقی تاکنون آغاز به کار نکرده است. (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۷: ۲۶۱)

۲. راجع به ترور رفیق حریری و همراهان با تصویب قطعنامه ۵۹۵۱ مورخ ۷ آوریل ۲۰۰۵ از سوی شورای امنیت، ضمن محکومیت این اقدام تروریستی مبادرت به تشکیل یک کمیسیون بین‌المللی مستقلی برای تحقیق در مورد این حادثه نمود که در نهایت زمینه تأسیس آن را فراهم کرد. مطابق ماده دوم اساسنامه دادگاه ویژه لبنان این محکمه صلاحیت رسیدگی به دو دسته جرایم را دارد: بند یک این ماده شامل، اقدامات تروریستی، جنایات و جنحه‌های ارتكابی تمامیت جسمانی افراد، مشارکت‌های غیرقانونی و عدم افشا جنایات و جنحه‌ها، شرکت در تشکیل‌های مجرمانه و مشارکت در توطئه، و بند دو ماده مزبور مشمول، فتنه و توطئه‌چینی، جنگ داخلی و درگیری‌های فرقه‌ای است. این جرایم طبق مقررات کیفری لبنان با رعایت مقررات اساسنامه دادگاه ویژه لبنان مورد رسیدگی قرار خواهند گرفت.



مصوب ۱۹۹۸»، «کنوانسیون سازمان کنفرانس اسلامی جهت مبارزه با تروریسم بین‌المللی، مصوب ۱۹۹۹»، «کنوانسیون سازمان اتحادیه آفریقا در پیشگیری و سرکوب تروریسم، مصوب ۱۹۹۹»، وجود دارند که جرایم تروریستی تحت صلاحیت دیوان آفریقا وفق سند الحاقی به طور دقیق از کنوانسیون سازمان اتحادیه آفریقا در پیشگیری و سرکوب تروریسم اقتباس و الگوبرداری شده است. (Eboe-Osuji, 2019: 283)

اهدافی که این مقاله درصدد مطالعه و سنجش آن بوده، مشتمل بر:

- شناخت روش‌های مستعمل در ارتکاب جرایم تروریستی؛
- چالش‌های پیش‌روی دیوان آفریقا در جرم‌انگاری اقدام‌های تروریستی؛
- مؤلفه‌ها و معیارهای شناخت الگوی مفهومی جرایم تروریستی در سند الحاقی به اساسنامه دیوان آفریقا؛
- و دستاوردهای حقوقی وفق چارچوب سند الحاقی به اساسنامه دیوان آفریقا در قبال جرایم تروریستی است.

که ضمن مطالعه مصداق‌سنجی جرایم تروریستی در سند الحاقی، مبانی، اصول و معیارهای مقرر وفق ماده ۲۸ چ، در آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در ضمن، روش‌شناسی پژوهش در این مقاله برای گردآوری داده‌ها به صورت «توصیفی و کتابخانه‌ای» است. از این‌رو، ضمن بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های وب‌گاهی، اطلاعات جمع‌آوری شده به صورت کیفی و مبتنی بر استنتاج پژوهشگر از منابع و متون انجام شده است.

۱. مفهوم‌شناختی و سنجش ارکان و ماهیت

۱.۱. مصداق‌سنجی، تعریف جرایم تروریستی و ارکان آن

تعریف جرایم تروریستی به طور کامل از کنوانسیون سازمان اتحادیه آفریقا در پیشگیری و سرکوب تروریسم اخذ شد. بنابراین تعریف پیچیده و مرکب از جرایم تروریستی در سند الحاقی ۲۰۱۴ به اساسنامه دیوان آفریقا موجب شد تا تفاسیر متعددی از آن ارائه شود. از این‌رو، سند الحاقی طی ماده ۲۸ چ، به ترتیب اقدام به



تعریف، جرم‌انگاری و احصای پاره‌ای از مصادیق برجسته جرایم تروریستی نموده است؛ در بند «الف» از ماده ۲۸ چ، سند الحاقی جرایم تروریستی به هر رفتاری که حقوق کیفری کشور عضو، حقوق اتحادیه آفریقا، یا حقوق جامعه اقتصادی را که اتحادیه آفریقا به رسمیت می‌شناسد^۱ یا بر اساس حقوق بین‌المللی رسمیت یافته است، در منطقه نقض کند و بتواند حیات، تمامیت فیزیکی یا آزادی هر شخص یا هر گروه یا جمعی از اشخاص را تهدید کند یا چنین اشخاصی را دچار صدمه جدی یا مرگ سازد یا به اموال دولتی یا خصوصی، منابع طبیعی، میراث زیست‌محیطی یا میراث فرهنگی خسارت بزند و برای مقاصد محاسبه یا منظور شده باشد، تعبیر شده است. البته وفق بندهای اول تا سوم ماده مزبور مقاصد مورد نظر برای اجرای اقدام‌های تروریستی مقرر شده است که به شرح ذیل است:

۱. ارباب، ایجاد ترس و وحشت، اعمال زور، زورگویی یا تلقین هر دولت، سازمان، نهاد، عامه مردم یا هر بخشی از آن فعل یا ترک فعل موردنظر، یا اتخاذ یا ترک دیدگاهی خاص، یا اقدام به ارتکاب فعل مطابق اصول خاص؛
۲. ایجاد وقفه در هرگونه خدمات دولتی، عرضه هرگونه خدمات ضروری به عموم مردم، یا ایجاد وضع اضطراری همگانی؛
۳. ایجاد شورش عمومی در کشور.

در بند «ب» ماده ۲۸ چ، از سند الحاقی به اساسنامه دیوان آفریقا، هرگونه ترفیع، حمایت مالی، معاضدت، فرماندهی، کمک، یا کارپردازی هر شخص با قصد ارتکاب به هریک از اعمال مقرر در زیرپاراگراف‌های «الف ۱» تا «الف ۳» به عنوان اقدام تروریستی قلمداد شده است. افزون بر این، وفق بند «پ» ماده ۲۸ چ،

۱. سند الحاقی با اشاره به کنوانسیون‌های اتحادیه آفریقا یا یک جامعه اقتصادی منطقه‌ای که توسط اتحادیه آفریقا یا کنوانسیون‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است، از کنوانسیون سازمان اتحادیه آفریقا در پیشگیری و سرکوب تروریسم خارج می‌شود. از این رو، به خلاف مراجعه به مقررات داخلی، در این امر ضرورتی در ارجاع امر به نقض مقررات کیفری منطقه‌ای یا بین‌المللی نیست، اما می‌تواند به نقض هرگونه کنوانسیون منطقه‌ای یا بین‌المللی یا حتی مقرر عرفی تسری پیدا کند.



سند الحاقی، به رغم مقرره‌های مصوب در پاراگراف‌های «الف» و «ب»، درگیری‌یی که مردم بر حسب اصول حقوق بین‌المللی برای آزادی یا خودگردانی آغاز کنند، از جمله درگیری مسلحانه ضداستعمار، اشغال، تجاوز و سلطه نیروهای بیگانه، تروریستی محسوب نخواهد شد.^۱

این در حالی است که مطابق بند «ت» و «ث» از ماده اخیر در سند الحاقی به ترتیب اقدام‌های تحت پوشش حقوق بین‌الملل بشردوستانه در طول مخاصمات مسلحانه بین‌المللی یا غیربین‌المللی که قوای دولتی یا اعضای گروه‌های سازمان‌یافته مسلح واقع می‌شوند و همچنین، انگیزه‌های سیاسی، فلسفی، عقیدتی، نژادی، قومی، مذهبی و غیره، به عنوان اقدام‌های تروریستی مورد محاسبه قرار نگرفته است. (Jeßberger, 2017: 78-79)^۲

با وجود این، به خلاف «قانون مدل ضدتروریسم آفریقا، مصوب ۲۰۱۱»^۳ ضرورتی به احراز قصد خاص برای یک هدف سیاسی، مذهبی یا عقیدتی وجود ندارد. از این رو، سند الحاقی مشتمل بر خشونت با انگیزه شخصی نظیر انتقام‌جویی، اختلافات خانوادگی و غیره است. بنابراین، آنچه از جرایم تروریستی قابل تفکیک است، جهت‌گیری سیاسی یا عمومی آن بوده که از بین رفته است.

در واقع این رویکرد با برخی دیگر از رویکردهای منطقه‌ای و بین‌المللی حاکم در برخی از اسناد بین‌المللی مانند «پیش‌نویس کنوانسیون جامع ملل متحد راجع به تروریسم بین‌المللی»، «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی

۱. وفق اصول حقوق بین‌الملل، درگیری و کشمکش آغازشده توسط ملت‌ها برای آزادی خود یا خودگردانی من جمله درگیری مسلحانه علیه استعمار، تجاوز و سلطه نیروهای خارجی، جرم تروریستی محسوب نخواهد شد.

۲. نظر به تقریر دفاعیه خودگردانی در چارچوب جرم تروریسم به نظر می‌رسد شفاف‌سازی حیطة رکن مادی جرم در ماده ۲۸ث(ث) منطقی باشد.

3. "The African Model Anti-Terrorism Law", Final Draft as Endorse by the 17th Ordinary Session of the Assembly of Union, 30 June - 1 July 2011, Malabo.



تروریسم، مصوب ۱۹۹۹» و قطعنامه (۲۰۰۴) ۱۵۶۶ شورای امنیت^۱ دارای همپوشانی است.

لازم به ذکر است که اسناد اخیرالذکر به اقدام‌هایی تأکید دارند که برای ارباب جمعیت، اجبار دولت یا سازمان بین‌المللی برای انجام یا عدم انجام هر رفتاری صورت می‌پذیرد. بنابراین، سند الحاقی به اساسنامه دیوان آفریقا وضوح رویکرد بین‌المللی را از ابعاد گوناگون محو نموده و گستره مسئولیت را توسعه می‌دهد. این در حالی است که وضعیت مزبور محدود به مردم، دولت‌ها و یا سازمان‌های بین‌المللی نیست، بلکه بدون تعریف آن‌ها به هر «ارگان یا نهادی» امکان گسترش را دارد. بنابراین، در حالی که اسناد بین‌المللی بر ارباب مردم یا اجبار یک دولت یا سازمان بین‌المللی متمرکز است، سند الحاقی موارد مذکور را با اهداف جایگزین «ترس»، «زور» یا «القاء» تمکیل می‌کند. به علاوه، اهداف خاصی را برای گروه‌ها یا نهادهای خاص در نظر نمی‌گیرد، بلکه کلیه اهداف را به هر یک از اهداف محافظت‌شده گسترش می‌دهد. در عین حال، به گونه‌ای قابل توجه سند الحاقی از رویکردهای بین‌المللی در حفاظت از کلیه دولت‌ها در قبال جرایم تروریستی پیروی می‌کند؛ صرف اینکه یک دولت حاکمیت آزاد داشته باشد یا حقوق بشر را رعایت کند. (Ramdeen, Marisha, 2017)

ویژگی مشترک در تعریف جرایم تروریستی این است که پیش‌نویس آن‌ها برای اهداف سند الحاقی به گونه‌ای جدید تنظیم نشده است، بلکه تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس این جرایم، تعریف آن‌ها را از معاهدات بین‌المللی یا منطقه‌ای موجود به عاریه گرفته‌اند. این رویکرد در نگاه اول معقول به نظر می‌رسد. انتقال و تقریر

۱. وفق بند سوم از قطعنامه ۱۵۶۶ شورای امنیت طی سال ۲۰۰۴، اقدام‌های مجرمانه از جمله علیه غیرنظامیان با قصد ایجاد مرگ یا صدمه جدی جسمانی یا گروه‌انگیزی با هدف ایجاد وحشت در عموم مردم یا در گروهی از افراد یا افراد خاص، ارباب یک جمعیت یا یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی برای ایجاد اجبار به انجام یا عدم انجام هرگونه رفتاری به عنوان جرم تروریستی مورد نظر در چارچوب کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی قلمداد می‌شود.



تعاریف از حقوق معاهدات ضامن همسانی بین حقوق کاربردی برای دیوان آفریقا و سایر دیوان‌ها (داخلی) است. (Jefberger, 2017: 80)

نخست، مقرره‌های معاهداتی به طور کلی برای تعریف جرایم، یعنی اثبات مسئولیت کیفری فردی در برابر رفتار غیرقانونی منظور نشده‌اند، بلکه هدف آن‌ها توصیف رفتار خاصی است که باید به موجب حقوق داخلی جرم‌انگاری شود تا همکاری قضایی افزوده در بین کشورهای عضو معاهده شکل گیرد؛ البته در سندی که مسئولیت کیفری را مقرر می‌نماید، ممکن است چنین ابهامی پاسخگوی الزامات اصل قانونی بودن جرم و کیفر مقرر در بند دوم ماده ۷ «منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها، مصوب ۱۹۸۱» و ماده ۱۵ «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶» نباشد. در واقع اصل قانونی بودن جرم و کیفر ایجاب می‌کند که مرتکب جرم به اندازه کافی اطمینان حاصل کند تا وی امکان اطلاع از آینده به میزان مسئولیت‌های قانونی کسب نماید. بنابراین، این چالش که سند الحاقی از مقامات اجرای قانون دعوت می‌کند تا نقض مقررات عادی منطقه‌ای و بین‌المللی را به مثابه جرایم تروریستی طبقه‌بندی کنند، وجود دارد. به عنوان یک قاعده کلی، برای دسترسی به اصل قانونی بودن جرم و کیفر، این رکن از تعریف جرم تروریستی باید محدود شود که تنها به نقض جنایی مقررات منطقه‌ای یا بین‌المللی اشاره دارد. با وجود این، بند «ب» از ماده ۲۸ چ، سند الحاقی کماکان جرایم تروریستی را مشتمل بر ارتقاء، حمایت مالی، مشارکت در فرماندهی، کمک، تحریک، تشویق، تلاش، تهدید، توطئه، سازماندهی یا خرید هر شخص به قصد انجام هر اقدامی که مقرر در بند «۱- الف» تا «۳» است.

این مقرره سازوکارهای گسترده مسئولیت کیفری برای جرایم تروریستی را در کنوانسیون سازمان اتحادیه آفریقا در پیشگیری و سرکوب تروریسم مورد تأکید قرار داده است. این در حالی است که درج چنین حالت‌های گسترده مسئولیت کیفری تا حد قابل ملاحظه‌ای غیرضروری و از حیث فنی چالش‌برانگیز است؛ هرچند حالت‌های مقرر در کنوانسیون اخیر ضروری است، زیرا این ابزار به طور صرف مربوط به جرایم تروریستی است که برای اجرا در قوانین داخلی طراحی شده بود و

بر این اساس هیچ مقررات مشترک یا کلی درخصوص مسئولیت گسترده وجود نداشت که سند الحاقی امکان استناد را وفق آن دارا باشد (Ibid: 81).

دوم، درحالی که تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس سند الحاقی تعریف جرایم را از معاهدات مرتبط قرض گرفته‌اند، سایر مقرره‌های معاهداتی و از همه مهم‌تر مقرره‌هایی را که با اصول عمومی حقوق کیفری ارتباط دارند تقریر نکرده‌اند؛ البته اینکه تمامی کشورهای عضو اتحادیه آفریقا عضو معاهدات مرتبط نیستند و تمامی کشورهای آفریقایی عضو معاهده ذی‌ربط، مقرره‌های مرتبط را در نظام حقوق داخلی خود تقریر نکرده‌اند. (Ibid)

۲. ۱. مؤلفه‌ها و معیارهای شناخت الگوی مفهومی

جرایم تروریستی وفق ماده ۲۸ چ، در سند الحاقی مقرر شده است. تعریف آن از ماده ۱ «کنوانسیون سازمان اتحادیه آفریقا در پیشگیری و سرکوب تروریسم» مصوب سال ۱۹۹۹ اخذ شده و تنها در زیربخش «ت» آن از معاهدات بین‌المللی یا منطقه‌ای الگوبرداری نشده است.^۱ قرار دادن جرایم تروریستی در قلمرو صلاحیت

۱. بند سوم از ماده نخست این کنوانسیون، «جرایم تروریستی» را بدین شرح توصیف کرده است: «۳. اقدام [یا به تعبیر «جرم»] تروریستی بدین معنی است: الف) هر فعلی که موجب نقض حقوق کیفری دولت‌های عضو بوده و ممکن است حیات، تمامیت جسمی یا آزادی هر شخصی را به خطر اندازد یا مرگ یا جراحات شدیدی را بر هر شخص یا تعدادی از یک گروه اشخاص موجب شود و یا اینکه به اموال خصوصی یا عمومی، منابع طبیعی، محیط زیست یا میراث فرهنگی خسارت بزند یا چنین توانی را داشته باشد. مشروط به اینکه فعل مذکور با قصد: الف-۱. مرعوب کردن، ترساندن، زور، اجبار یا وادار کردن هر حکومت، مجموعه، نهاد، بخش عمومی یا هر قسمت از آن برای انجام فعل یا هر ترک فعلی یا تصویب یا رد یک نقطه نظر یا عمل نمودن براساس پاره ای از اصول ارتکاب شود؛ یا الف-۲. خرابکاری در سرویس‌های عمومی، ارائه خدمات عمومی به عمومی یا به وجود آوردن شرایط اضطراری عمومی در جامعه ارتکاب یافته باشد؛ یا الف-۳. ایجاد شورش یا ناآرامی سراسری در یک کشور.

ب) هرگونه ترویج (تشویق)، حمایت، مشارکت در رهبری، کمک، تهییج، تشویق، تلاش، تهدید، توطئه، سازماندهی یا جذب هر شخص به قصد ارتکاب هر یک از اعمال اشاره شد در بند (الف) و زیربندهای آن».



دیوان آفریقا گویای روند جهانی اتکای روزافزون به حقوق کیفری برای سرکوب خشونت تروریستی است. جرایم تروریستی پدیده‌ای رایج در آفریقا به‌خصوص در منطقه ساحل و شاخ آفریقا است. به علاوه جرایم تروریستی بعد تاریخی دارد، زیرا قدرت‌های استعماری و آفریقای جنوبی تبعیض نژادی از مفهوم جرایم تروریستی برای مشروعیت‌زدایی جنبش‌های رهایی‌بخش استفاده می‌کردند.^۱

تعریف مزبور نکات با ارزشی را به ذهن متبادر می‌سازد؛ اول آنکه برای اولین بار در اسناد ضد تروریستی ایراد خسارت به «میراث فرهنگی» از مصادیق تروریسم در نظر گرفته شده است. دوم، حسب نیاز خاص منطقه، براه اندازی شورش، ناآرامی سراسری و بحران در کشورهای منطقه به عنوان یک جرم تروریستی تأکید شده است و دولت‌ها موظف به همکاری قضایی (معاضدت، مجازات یا استرداد) متهمین به ارتکاب چنین جرایمی شده‌اند. علت این تأکید بحران‌ها و فجایع انسانی است که آفریقا به ویژه در دهه نود با آن مواجه بوده که به طور عمده ریشه در بحران‌ها و شورش‌های اولیه قومیت‌ها دارد (عبداللهی، ۱۳۸۴: ۶۳-۶۱)؛ البته در سال ۲۰۰۴ و در راستای اصلاح و تکمیل کنوانسیون مزبور، پروتکلی به تصویب رسید که علی‌رغم عدم وجود نوآوری و ارائه جرم جدید نسبت به مفاد قبلی کنوانسیون، اما درصدد تقویت اجرای کنوانسیون و هماهنگی و یکپارچه‌سازی تلاش‌های دولت‌های عضو برای پیشگیری از تروریسم و مبارزه می‌باشد. دولت‌ها اقدام به اجرای یک سری معیارها در رابطه با تعلیمات تروریستی و تأمین مالی تروریسم، مزدوری، سلاح‌های کشتار جمعی، جبران خسارت قربانیان تروریسم، ممانعت از ورود تروریست‌ها، و تبادل اطلاعات و همکاری نموده‌اند. پروتکل مزبور، شکنجه، رفتار تحقیرآمیز یا غیرانسانی با افراد مظنون به تروریست بودن را منع کرده، اما از دولت‌ها خواسته تا تمام اقدامات لازم برای حفظ حقوق بشر اساسی مردم خود در قبال اقدام‌های تروریستی را به عمل آورند. این پروتکل وظیفه هماهنگ‌سازی مبارزه آفریقا با تروریسم را به شورای صلح و امنیت «سازمان وحدت آفریقا» محول کرده و کشورها تقبل کرده‌اند به طور مرتب گزارش خود را به این شورا تقدیم کنند.

۱. بنابراین اقدامات تروریستی و چالش‌های ناشی از آن موجب گردیده جامعه بین‌المللی اسناد متعددی را در مواجهه با آن‌ها به تصویب رساند. در چارچوب تصویب اساسنامه ژنوا در سال ۱۹۹۸ و تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، سازوکاری برای مقابله با جرایم بین‌المللی مورد اهتمام مقرر گردید. در سال ۱۹۹۴، کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص پیش‌نویس دیوان کیفری بین‌المللی، پیشنهادی مبنی بر درج یک طبقه دیگر از جرایم در چارچوب صلاحیت قضایی دیوان از جمله «جرایم معاهداتی» شامل تروریسم، قاچاق مواد، تبعیض نژادی و تخلف فاحش و شدید



تعریف جرایم تروریستی امر چالش برانگیز از حیث حقوقی، سیاسی و بین‌المللی است. تصمیم تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس سند الحاقی برای انتخاب کنوانسیون سازمان وحدت آفریقا به منزله‌ الگوی اصلی، آشکار نیست. در سطح بین‌المللی، حقوق معاهدات به طور صرف وابسته به بخش است؛ یعنی کنوانسیون‌های موجود جرایم تروریستی را جامع و فراگیر بررسی نکرده‌اند، بلکه انواع خاصی از خشونت‌ها را سرکوب کرده‌اند که به طور معمول تروریست‌ها به‌کار می‌گیرند. کار بر تنظیم پیش‌نویس کنوانسیون جامع سازمان ملل علیه تروریسم بین‌المللی هنوز در دست اجراست، ولو اینکه توافق نظر عمومی حداقل از نظر عناصر این جرم حاصل شده باشد.

وفق ماده ۲۸ چ مقرر در سند الحاقی، فعلی که رکن مادی این جرم را تشکیل می‌دهد از دو جهت واجد شرایط است:

اول، این فعل باید غیرقانونی باشد. به خلاف کنوانسیون سازمان وحدت آفریقا، معیار تشخیص غیرقانونی بودن فعل به حقوق کیفری (داخلی) کشورهای عضو محدود نیست، بلکه فعل ارتكابی در صورت تخلف از حقوق اتحادیه آفریقا یا حقوق جامعه اقتصادی منطقه‌ای، که اتحادیه آفریقا یا حقوق بین‌الملل به رسمیت شناخته است، به موجب ماده ۲۸ چ، غیرقانونی محسوب می‌شود.

دوم، این فعل باید منافع فردی مهم اعم از حیات، تمامیت جسمانی و آزادی فردی یا گروهی را تهدید یا نقض کند یا مسبب خسارت به اموال دولتی یا خصوصی، منابع طبیعی یا میراث زیست‌محیطی یا میراث فرهنگی باشد. تقریر ویژه اعمال منجر به خسارت دیدن منابع طبیعی یا میراث زیست‌محیطی یا میراث فرهنگی به عنوان اقدامات تروریستی به‌طور قابل ملاحظه‌ای حیطه این جرم را وسیع‌تر کرده است. قصد ارتكاب جرم تروریسم مستلزم قصد ویژه مرتکب جرم (محاسبه‌شده یا مقرر شده) است. مطابق با ماده ۲۸ چ (الف ۱) تا (۳)، مرتکب جرم باید با ارباب یا

از کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو را ارائه کرد که عدم توافق نظر در این رابطه، موجب گردید تروریسم در چارچوب صلاحیت قضایی دیوان قرار نگیرد.



زورگویی به دولت یا عامه مردم با انجام دادن یا ندادن کار یا قصدی، قصد ایجاد وقفه در خدمات دولتی را داشته باشد.

در زیربخش (الف)(۱)(۳)، گونه سوم قصد ویژه، یعنی قصد ایجاد شورش عمومی در کشور، اضافه شده است. به استثنای کنوانسیون سازمان وحدت آفریقا، این گونه سوم هیچ مقررۀ متناظری در حقوق بین‌الملل ندارد و به طرز بحث‌برانگیزی با طبقه‌بندی مجدد شورش به عنوان جرم تروریستی، مفاهیم حقوقی متفاوت در آن ادغام شده است.

در ماده ۲۸ چ(ت) به سؤال بسیار جدل‌انگیزی اشاره می‌شود؛ «آیا جرم تروریستی در خلال مخاصمات مسلحانه کاربرد دارد؟» طبق ماده ۲۸ چ(ت)، تمامی اعمال تحت پوشش حقوق بین‌الملل بشردوستانه برای اهداف این اساسنامه، جرم تروریستی به‌شمار نمی‌روند. از این جهت در ماده ۲۸ چ از کنوانسیون سازمان وحدت آفریقا عدول می‌شود که طبق آن مقرره‌های کنوانسیون و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در کنار یکدیگر کاربردی خواهند شد.^۱

حذف جرایم تروریستی ارتكابی در درگیری مسلحانه از حیطه صلاحیت دیوان آفریقا در نگاه اول مغایر با حقوق بین‌الملل کیفری عرفی به نظر می‌رسد، چرا که جرم تروریسم علیه جمعیت غیرنظامی را یک روش جنگی ممنوعه و در نهایت یک جرم جنگی طبقه‌بندی کرده است. (Werle and Jeßberger, 2014: 68)

بنابراین، به خلاف حقوق معاهدات مرتبط با جرم تروریسم، مقرره حاضر را باید در کنار مقرره جنگی در ماده ۲۸ ت تفسیر کرد. با توجه به این پیشینه، می‌توان این استدلال معتبر را مطرح کرد که: تمامی اعمال ارتكابی در طول درگیری مسلحانه، از جمله جرایم تروریستی، باید تحت صلاحیت دیوان در خصوص جرایم جنگی قرار گیرند.

۱. ر.ک: بند نخست از ماده ۲۲ کنوانسیون سازمان وحدت آفریقا.



با این همه، الگوی مفهومی کلیه مصادیق جرایم تروریستی که وفق ماده ۲۸ ج، سند الحاقی مقرر شده است، به تفکیک در ذیل قابل ملاحظه است:

۱. آسیب جسمانی شدید

این رکن از تعریف جرم تروریستی، هسته اصلی اقدام‌های تروریستی را تحت پوشش قرار می‌دهند.^۱ علت اصلی تهدید علیه حیات، تمامیت فیزیکی یا آزادی هر شخص یا هر گروه یا جمعی از اشخاص و نیز ایجاد صدمه جدی یا مرگ، به عنوان جرم تروریستی قلمداد می‌شود که وفق پیش‌نویس کنوانسیون جامع ملل متحد راجع به تروریسم بین‌المللی، کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم، مصوب ۱۹۹۹ و قطعنامه (۲۰۰۴) ۱۵۶۶ شورای امنیت تعریف شده است. البته آسیب جدی تنها به آسیب جسمانی محدود نمی‌شود، به نحوی که سند الحاقی می‌تواند به آسیب جدی روانی یا رنج روحی نظیر گروگانگیری یا شاهد حمله‌های دسته‌جمعی به دیگران گسترش یابد، هرچند سند الحاقی اعضای جایگزین بدن انسان، اقدام‌هایی را با مخاطره‌هایی در زندگی مواجه می‌سازد که حتی در صورت عدم مرگ یا حتی جراحت، ممکن است رخ دهد، اما از حیث میزان و آستانه شدت قابل قیاس با این آسیب‌ها است.^۲ از این رو، به عنوان نمونه می‌توان اظهار داشت اقدام‌هایی که سلامت یا ایمنی عمومی را با مخاطراتی مانند ایجاد آلودگی با انتشار مواد خطرناک در منبع آب انسان و یا حمله‌های شیمیایی، زیست یا هسته‌ای مواجه می‌سازند در واقع منجر به مرگ یا جراحت در شرایط نمی‌شود. بنابراین، رکن مزبور از تعریف عضوی جایگزین برای به خطر انداختن «بکپارچگی یا آزادی جسمانی» را فراهم می‌نماید. (Saul, 2019: 424-426)

1 Lord Carlile of Berriew QC, *The Definition of Terrorism*, UK Independent Reviewer of Terrorism Legislation (CM 7052), March 2007, at 40.

۲. ر.ک: ماده ۳ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها.



۲. خسارت به اموال عمومی و یا خصوصی

حمله‌ها به اموال، حتی در مواردی که آسیبی به افراد وارد نمی‌کنند، روش‌های مرسوم هستند که از سوی مرتکبان جرایم تروریستی در پی اهداف خود مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه، حمله به ابنیه و تأسیسات دولتی یا حتی مدارس در طول شب، زمان‌ها تعطیل یا بعد از اخطارهای تخلیه اشاره کرد. بنابراین، چنین حمله‌هایی نه تنها موجب ایجاد هراس را در جامعه فراهم می‌نماید، بلکه می‌تواند خسارات و آسیب‌های اقتصادی قابل ملاحظه‌ای را به دنبال داشته باشد. در ضمن، به رغم حمله معمولی ترویست‌ها به اهداف عمومی، محتمل است مالکیت خصوصی نیز کانون حمله‌ها باشد؛ نظیر آنچه در حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در زمان اقدام‌های تروریستی القاعده به ساختمان‌ها و تأسیسات تجاری در نیویورک صورت گرفت. به علاوه، ترویست‌ها این امکان را دارند تا مشاغل خصوصی یا سازمان‌های غیردولتی را مورد هدف قرار دهند.

با این همه، سند الحاقی نسبت به ارائه تعریف «اموال» فاقد هرگونه مقرره‌ای است؛ البته ممکن است نگاهی به پیش‌نویس کنوانسیون جامع ملل متحد راجع به تروریسم بین‌المللی در خصوص اموال که پیرامون خسارات وارده به اموال عمومی و یا خصوصی نظیر «مکان مورد استفاده عمومی»، «تأسیسات دولتی یا حکومتی»، «نظام حمل و نقل عمومی»، «تأسیسات زیرساختی» و یا «محیط زیست» اشاره دارد، شود.

همچنین تفسیر مرسوم از «دارایی» نه تنها مشتمل بر اموال فیزیکی همانند ساختمان‌ها، وسایل نقلیه و زیرساخت‌ها از جمله جاده‌ها، راه‌آهن، بندرها، میدان‌های هوایی و فضاها، عمومی (نظیر بوستان‌های عمومی، امکان و زمین‌های ورزشی) است، بلکه برخی از آن‌ها مثل دارایی‌های اقتصادی و مالی و به طور بالقوه مالکیت معنوی، نامشهود است. بنابراین، حمله‌های سایبری که به شبکه‌های رایانه‌ای یا الکترونیکی آسیب وارد می‌کنند، این امکان را دارند تا در چارچوب این تعریف قرار گیرند. حمله‌های سایبری شامل حمله به رایانه‌های کنترل‌کننده زیرساخت‌های فیزیکی (به عنوان نمونه، برای از کار انداختن سد، تأمین آب یا شبکه



حمل و نقل)، سوابق الکترونیکی معاملات اقتصادی یا دارایی‌ها (نظیر بانکداری، تأمین مالی، سرمایه‌گذاری یا مالیات) و سایر داده‌های اختصاصی همچون طرح‌های اسلحه‌نظامی، جاسوسی صنعتی یا سوابق بهداشت عمومی باشد. از این رو، اقدام‌های مزبور ضمن تنوع قابل ملاحظه، ممکن است شدت جرایم تروریستی را در تخریب و ایجاد رعب و هراس، کاهش دهد. (Saul, 2019: 427)

۳. خسارات وارده به منابع طبیعی، میراث زیست‌محیطی یا میراث فرهنگی

این رکن جایگزین تعریف، تمرکز را از خطر به افراد برای آسیب‌رساندن به انواع گوناگون اموال و اشیاء خاص دیگر تغییر می‌دهد و تنها به آسیب جدی محدود نمی‌شود.^۱

به عنوان نمونه، پیش‌نویس کنوانسیون جامع ملل متحد راجع به تروریسم بین‌المللی محدود به اقدام‌هایی است که آسیب‌های جدی به اموال عمومی یا خصوصی یا خسارت عمده اقتصادی وارد می‌کند. از این رو، جرایم تروریستی باید به جای آسیب‌های عادی یا بی‌اهمیت به اموال، منابع طبیعی، میراث زیست‌محیطی یا میراث فرهنگی، در معرض آسیب‌های جدی‌تر باشد. در ضمن، سند الحاقی نسبت به «منابع طبیعی» و «میراث زیست‌محیطی» تعریفی را ارائه نمی‌کند، هرچند منابع طبیعی می‌تواند با استفاده از تعریف مقرر در بند نخست از ماده ۵ کنوانسیون سازمان اتحادیه آفریقا در پیشگیری و سرکوب تروریسم راجع به حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی (منابع تجدیدپذیر، ملموس و غیرمشهود نظیر گیاهان، خاک، آب، جانوران و نیز منابع غیرتجدیدپذیر) قابل درک باشد. همچنین می‌توان به ماده ۲۱ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها برای احقاق حق مردم در استفاده آزاد از ثروت و منابع طبیعی خود اشاره کرد. لازم به ذکر است که بیشتر کمیسیون حقوق بشر و ملل آفریقا نقض حق دفع آزادانه منابع طبیعی را اخذ کرده است.

1 S. 1(1) Protection of Constitutional Democracy against Terrorist and Related Activities Act 2004(South Africa).



در «مرکز حقوق اقدام اقتصادی و اجتماعی نیجریه» کمیسیون حقوق بشر و ملل آفریقا دریافت که نیجریه با تصویب و حمایت از خشونت نظامی، بهره‌برداری خصوصی از نفت، ضمن ایجاد آلودگی به محیط زیست اعم از آب، هوا و خاک، موجب آسیب به سلامتی انسان می‌شود.^۱ با این همه، خسارات وارده به منابع طبیعی و یا تا حدودی که با میراث زیست محیطی همپوشانی دارد می‌تواند ناشی از اقدام‌هایی نظیر بهره‌برداری غیرمجاز یا تجارت نفت،^۲ استخراج مواد معدنی مانند الماس یا طلا، الوار چوب^۳ و صید حیوانات در حیات وحش باشد که همگی مصداقی از جرم تروریستی هستند.

راجع به میراث زیست محیطی، اسناد بین‌المللی به ویژه کنوانسیون سازمان اتحادیه آفریقا در پیشگیری و سرکوب تروریسم، تعریفی حقوقی از «محیط زیست» ارائه نکرده‌اند. ماده ۲۴ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها تنها به حق مردم در یک محیط عمومی رضایت‌بخشِ مطلوبِ توسعه آن‌ها اشاره کرده است. در ضمن، سند الحاقی به اساسنامه دیوان آفریقا در دیگر موارد شامل جرم قاچاق پسماندهای خطرناک وفق ماده «(۲۸ر)» است که به نوبه خود «کنوانسیون باماکو در ممنوعیت

1. African Commission on Human and Peoples' Rights (ACHPR), *Social and Economic Rights Action Center and the Center for Economic and Social Rights v Nigeria*, ACHPR Communication No. 155/1996, 2001 AHRLR 60(27 October 2001), 58.

۲. در این رابطه، قطعنامه ۲۱۹۹ شورای امنیت طی سال ۲۰۱۵ راجع به درگیری در سوریه عراق اشعار داشت «هرگونه تعامل در تجارت مستقیم یا غیرمستقی به ویژه نفت و فرآورده‌های نفتی و پالایشگاه‌های مدولار (Modular) و مواد مرتبط با داعش و سایر افراد، گروه‌ها، بنگاه‌ها و نهادهایی که به عنوان مرتبط با القاعده تعیین شده‌اند»، ممنوع است.

3 SC Res. 1521(2003) banned log exports from Liberia; SC Res. 2036(2012) banned the export of charcoal from Somalia.



واردات به آفریقا و کنترل رفت و آمد فرامرزی و مدیریت پسماندهای خطرناک در محدوده آفریقا، مصوب ۱۹۹۱» اشاره دارد.^۱

افزون بر این، ماده اخیر الذکر، پسماند رادیواکتیو را تحت کنترل بین‌المللی مقرر کرده است. البته در چارچوب حقوق بین‌الملل محیط زیست، ارجاع به اثرات زیست محیطی، تأثیرات یا خسارات به طور معمول آسیب به گیاهان، جانوران، خاک، آب اعم از شیرین یا دریا، چشم‌انداز، میراث فرهنگی، اکوسیستم‌ها، هوا و غیره نظیر نظام اقتصادی و اجتماعی انسان وابسته را نشان می‌دهد.

این مسائل شامل طیف گسترده‌ای از هنجارها و نظام حقوقی، پرداختن به منابع طبیعی، تنوع زیستی، گونه‌های در حال انقراض و مهاجر، جنگل‌زدایی و بیابان‌زدایی، قطب جنوب، مناطق میراث جهانی، اقیانوس‌ها، منابع بین‌المللی آب، تغییرات آب و هوا، اُزن، محیط زیست دریایی و آلودگی و پسماندهاست. از این رو، برای منابع طبیعی و محیط زیست سند الحاقی خسارت قانونی به منابع طبیعی را که به طور اجتناب‌ناپذیر ناشی از بهره‌برداری از آنها است (مانند استخراج از معادن)، یا ایجاد آسیب قانونی به محیط زیست، مورد تعقیب و جریمه قرار نمی‌دهد، اما خسارات ناشی از رفتارهای مقدماتی که وفق قوانین داخلی جرم‌انگاری شده‌اند، یا مطابق حقوق آفریقا با حقوق بین‌الملل کیفری غیرقانونی هستند را مورد نظر قرار داده است.

در خصوص خسارات وارده به میراث فرهنگی باید اذعان شود که سند الحاقی هیچ‌گونه تعریفی از «میراث فرهنگی» ارائه نکرده است که در این رابطه تنها می‌توان به استانداردهای بین‌المللی تدوینی توسط یونسکو اشاره کرد.^۲ افزون بر این،

1. Bamako Convention on the Ban of the Import into Africa and the Control of Transboundary Movement and Management of Hazardous Wastes within Africa (adopted 30 January 1991, entered into force 22 April 1998) 2101 UNTS 177 (hereafter 'Bamako Convention').

۲. در این زمینه می‌توان به اسنادی بین‌المللی نظیر «کنوانسیون باماکو»، «کنوانسیون راجع به حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی جهانی، مصوب ۱۹۷۲»، «کنوانسیون حفاظت از میراث



رژیم‌های خاصی وجود دارند تا تجارت غیرقانونی اموال فرهنگی را منع کنند و جبران اموال فرهنگی مسروقه یا صادرشده غیرقانونی را نیز فراهم نمایند که در این رابطه به ترتیب می‌توان «کنوانسیون یونسکو در مورد ممنوعیت و جلوگیری از واردات غیرقانونی، صادرات و انتقال مالکیت اموال فرهنگی، مصوب ۱۹۷۰»^۱ و «کنوانسیون بین‌المللی راجع به بازگشت بین‌المللی اشیای فرهنگی مسروقه یا صادرشده غیرقانونی، مصوب ۱۹۹۵»^۲ را ذکر نمود.

راجع به جرایم تروریستی، نمونه‌های قابل ملاحظه‌ای از آسیب‌رساندن سازمان‌های تروریستی به میراث فرهنگی به ویژه در قاره آفریقا وجود دارد؛ به عنوان نمونه، در کشور مالی شبه نظامیان اسلام‌گرا با حمله به مقدسات صوفیان باستان، مساجد، بناهای تاریخی، کتابخانه‌ها و نسخ خطی در «تیمبوکتو»^۳ طی سال ۲۰۱۲ آن‌ها را تخریب کردند.^۴

۲. چالش‌ها و رهیافت‌های پیش‌روی

دیوان کیفری بین‌المللی، در حال حاضر، صلاحیت قضایی در رسیدگی به تروریسم ندارد، اما این بدان معنا نیست که در مورد مرتکبان جرایم تروریستی صلاحیت قضایی ندارد. اگر بتوان گفت اقدام تروریستی در چارچوب تعریف جرایم ضد بشری مصرّح در ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرد، این

فرهنگی ناملموس، مصوب ۲۰۰۳»، «اعلامیه تخریب عمدی میراث فرهنگی، مصوب ۱۷ اکتبر ۲۰۰۳» و بند «۱-الف» ماده ۱۵ از «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوب ۱۹۶۶»، مراجعه نمود.

1. UNESCO Convention on the Means of Prohibiting and Preventing the Illicit Import, Export and Transfer of Ownership of Cultural Property(adopted 14 November 1970, entered into force 24 April 1972).

2. UNIDROIT Convention on the International Return of Stolen or Illegally Exported Cultural Objects(adopted 24 June 1995, entered into force 1 July 1998)

3 Timbuktu.

4 M. Lostal, 'ICC opens a case for the destruction of cultural heritage in Mali'(2 October 2015) available online at www.globalpolicy.org/home/163-general/52814-icc-opens-a-case-for-the-destruction-of-cultural-heritage-in-mali.html.

معنا برداشت می‌شود که دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به تروریسم صلاحیت قضایی دارد. از این رو، امکان‌گرایی جرم‌نگاری اقدام‌های تروریستی با درج در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، می‌تواند تا حدودی از گسترش چنین اقدام‌هایی ممانعت به عمل آورد. البته، تحقق این امر مستلزم وجود سازوکارهای مؤثر و کارآمد در نظام بین‌الملل و رعایت قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل در واکنش کیفری با همکاری دولت‌ها، در مواجهه با جرایم تروریستی است.^۱

در مقایسه با سایر دیوان‌های کیفری بین‌المللی، به رغم عدم وجود صلاحیت قضایی در دیوان آفریقا، صلاحیت مقرر به شکل خاصی جامع است. به ویژه اینکه صلاحیت این دیوان تنها به جرایم تحت حقوق بین‌الملل یعنی نسل‌کشی، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و جرم تجاوز محدود نمی‌شود، بلکه طبق ماده ۲۸ الف (۱) سند الحاقی، صلاحیت دیوان آفریقا مشتمل بر جرایم فراملی که مهمترین آن‌ها جرایم تروریستی است. این جرایم، به ویژه جرایم مقرر در ماده

۱. تروریسم در برخی اسناد بین‌المللی خاص، به طور ویژه به مثابه جرم جنگی طبقه‌بندی شده است. برای مثال، بند نخست ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو، به صراحت اعلام می‌دارد: «جرایم جمعی و کلیه معیارهای رعب و وحشت یا تروریسم ممنوع است». علاوه بر این، بند دوم ماده ۵۱ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو تصریح کرده است: «اقدامات خشونت‌آمیز یا تهدید به خشونت که هدف اصلی از ارتکاب آنها، اشاعه رعب و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع است.» به علاوه، پاراگراف چهارم از بند دوم ماده ۴ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در خصوص درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی، مقرر می‌دارد: «اعمال اقدامات تروریستی علیه کسانی که نقش مستقیم در مخاصمات ندارند یا دیگر قادر به داشتن نقش مستقیم در مخاصمات نیستند، ممنوع است». این در حالی است که بند دوم ماده ۱۳ پروتکل اخیر نسبت به اقدامات خشونت‌آمیز یا تهدید به خشونت که هدف اصلی از ارتکاب آن ایجاد و اشاعه رعب و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی باشد، قائل به ممنوعیت شده است. در ضمن، اطلاق اقدامات تروریستی به مثابه نسل‌کشی با توجه به مصادیق آن امکان‌پذیر نیست، چرا که از حیث شیوه ارتکاب، قصد و انگیزه و نیز مصادیق موجود در هریک از اقدامات تروریستی و نسل‌کشی، باید قائل به تفکیک شد.





۲۸الف(۱) ماهیت ویژه‌ای دارند و بر این اساس می‌توان آن‌ها را از جرایم مقرر در ماده ۲۸الف(۱) متمایز کرد.

این وجه تمایز در راستای خط مرزی بین حقوق کیفری فراملی از یک طرف و حقوق بین‌الملل کیفری به مفهوم مضیق از طرف دیگر به چشم می‌خورد. (Boister, 2012: 13; Chehtman, 2016: 18)

مسئولیت کیفری که مستقیم به موجب حقوق بین‌الملل پدید می‌آید برای تعداد محدودی از جرایم وجود دارد که به جرم تحت حقوق بین‌الملل معروف‌اند و شامل نسل‌کشی، جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و جرم تجاوزند.

این جرایم بخشی از حقوق بین‌الملل کیفری به مفهوم مضیق را تشکیل می‌دهند (Werle and Jeßberger, 2014: 52)، اما حقوق کیفری فراملی را می‌توان سرکوب غیرمستقیم به موجب حقوق بین‌الملل و از طریق حقوق کیفری داخلی برای فعالیت‌های جنایی دارای آثار برون‌مرزی بالفعل یا بالقوه تعریف کرد. (Boister, 2012: 13) به طور معمول، برای این سرکوب غیرمستقیم فعالیت‌های جنایی به معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای استناد می‌شود. (Ambos, 2013: 222) به خلاف جرایم تحت حقوق بین‌الملل، مسئولیت کیفری در برابر جرایم فراملی به گونه‌ای مستقیم براساس موازین حقوق بین‌الملل مقرر نشده‌اند، بلکه معاهدات مربوطه یک رفتار خاص را توصیف کرده (جرم فراملی) و وظایفی حقوقی را برای دولت‌های عضو معاهدات مقرر نموده‌اند تا آن رفتار را در حقوق داخلی خود جرم‌انگاری کنند.

جرایم تروریستی، از جرایم فراملی یا برون‌مرزی طبقه‌بندی شده‌اند. (Werle and Jeßberger, 2014: 65) این جرایم با جرایم تحت حقوق بین‌الملل از جمله جرایم (اصلی) مشمول صلاحیت دیوان آفریقا از چند جهت تفاوت دارند؛ روش جرم‌انگاری (غیرمستقیم در برابر مستقیم)، منافع تحت‌الحفظ (منفعت مشترک کشورهای ذی‌ربط در برابر منفعت جامعه بین‌الملل در کل)، منطق بین‌المللی‌سازی و نیاز به آن (شکاف اجرایی ناشی از نبود همکاری قضایی فراملی در برابر شکاف



اجرائی به طور کلی ناشی از ماهیت تحت حمایت مالی حکومتی) و منطق قرار دادن جرایم تحت صلاحیت دیوان جدید که البته جای بحث دارد.

در مورد انتهای، هدف اولیه از تشکیل دیوان آفریقا، رسیدگی به چالش‌هایی است که سران حکومتی و دولتی آفریقا و چند کشور اروپایی و به ویژه با توجه به سوگیری دیوان کیفری بین‌المللی در مورد آفریقا در مناسبت‌های متعدد مطرح کرده‌اند. (Werle and Jeßberger, 2014: 71)

در تقریر جرایم فراملی نظیر جرایم تروریستی، خط متفاوتی از بحث و استدلال دنبال می‌شود. به طور فرضی، اعطای صلاحیت بر جرایم فراملی به دیوان آفریقا برای تکمیل و تقویت نظام اجرائی مبتنی بر معاهدات موجود که تا به امروز به طور انحصاری در دست کشورها بوده، منظور شده است. (Saul, 2015: 394-395) به علاوه در رسیدگی به جرایم فراملی اصول اتحادیه آفریقا از جمله احترام به حفظ حیات بشر، تقبیح و مردود شمردن بی‌کیفری و سوءقصد سیاسی، جرایم تروریستی و اقدام‌های خرابکارانه لحاظ می‌شود.^۱

در سند الحاقی به اساسنامه دیوان آفریقا، مرزبندی مفهومی بین جرایم فراملی و جرایم تحت حقوق بین‌الملل منعکس نشده است که خوشایند نیست، به عنوان نمونه اینکه مجموعه اصول عمومی کاربردی برای جرایم تحت حقوق بین‌الملل می‌تواند و باید اعتبار یکسانی برای جرایم فراملی داشته باشد، جدلانگیز است. در سند الحاقی تعدادی از مفاهیم حقوقی، که در اصل برای جرایم تحت حقوق بین‌الملل منظور شده‌اند، به جرایم فراملی تعمیم یافته‌اند.

مسئله‌ای که در این بین دارای اهمیت قابل ملاحظه‌ای بوده، «مقرره‌های مصونیت» است. سران دولت‌ها و مقامات ارشد حاکمیتی وفق تکالیف خود، در طول دوره تصدی مسئولیت، مطابق ماده «۴۶ الف» سند الحاقی، از مصونیت قضایی برخوردار هستند. افزون بر این، به موجب ماده «۴۶ ب ۲»، این واقعیت که

1 Article 4(o) of the Constitutive Act of the African Union; see also Malabo Protocol, Preamble.



مرتکب جرم با توجه به پست رسمی اش رفتاری را مرتکب شده است او را از مسئولیت کیفری در قبال رفتار ارتكابی معاف نمی‌کند. به موجب ماده «۴۶ الف مکرر»، برای مقامات عالی‌رتبه حکومتی این استثنا وجود دارد که در دوران تصدی شغلی خود مصونیت دارند. مقرره‌های مصونیت از دو جهت درخور توجه‌اند. از یک طرف، مصونیت مقامات عالی‌رتبه حکومتی در برابر جرایم تحت حقوق بین‌الملل در مقایسه با مصونیت ایجادشده براساس حقوق بین‌الملل عرفی در آن‌ها وسیع‌تر شده‌اند. از طرف دیگر، مصونیت مقامات جزء حکومتی در برابر جرایم فراملی در آنها از قلم افتاده‌اند. این جنبه دوم بسیار مشکل‌سازتر است.

در مورد جرایم فراملی به ویژه جرایم تروریستی باید اذعان داشت در سند الحاقی به اساسنامه دیوان آفریقا، هرگونه مصونیت از مقامات حکومتی با درجات پایین سلب شده است که ظاهراً با حقوق بین‌الملل عرفی منافات دارد. یک اصل رسمی در حقوق بین‌الملل عمومی می‌گوید مقامات دولتی از مصونیت در برابر تعقیب و دادرسی در دیوان‌های بیگانه برخوردار باشند. این قاعده به شکلی بحث‌برانگیز شامل محاکم بین‌المللی و منطقه‌ای است. لاقلاً در قضایایی که دیوان آفریقا بر اتباع کشور غیرعضو اساسنامه اعمال صلاحیت می‌کند. استدلال دیگر مبنی بر اینکه کشورهای عضو سند الحاقی به موجب صحت‌گذاری بر این پروتکل از مصونیت مقامات خود صرف‌نظر کرده‌اند صدق نمی‌کند. (Jefßberger, 2017: 84-85)

۳. چالش‌ها و دستاوردها

مسائل مقرر در چارچوب پروتکل الحاقی در باب مواجهه با جرایم تروریستی حائز اهمیت است، مشتمل بر سه مؤلفه است. از این‌رو، در ذیل قابل ملاحظه است. (Jefßberger, 2017: 86)

نخست، مشخصه تعاریف جرایم تروریستی است که زبان مورد استفاده برای تعریف عناصر مادی این جرایم اغلب گنگ و مبهم است. به عنوان نمونه، در سند



الحاقی به اساسنامه دیوان آفریقا «قصد زورگویی» به سازمانی برای اتخاذ نظری خاص برای جرم تروریسم الزامی است. همین در مورد تشخیص غیرقانونی بودن و مشروع نبودن رفتار برای جرایم تروریستی صدق می‌کند. ابهام بسیاری از ارکان مقرر در تعریف این جرایم تا حدودی به دلیل رویکرد اتخاذی تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس سند الحاقی در عاریه گرفتن تعاریف از معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای است. توصیف رفتار در معاهدات متناظر هرگز برای انتقال یافتن به تعریف جرایم بالفعل منظور نشده بود، بلکه در مقرره‌های معاهده ذی‌ربط، طیف نسبتاً وسیعی از رفتار توصیف شده‌اند که میزان به خصوصی از صلاح‌دید و آزادی عمل مرتبط با رفتار دقیقی را که باید جرم‌انگاری و در نظام داخلی حقوق کیفری کشورها تقریر شود، به قانونگذار هر کشور داده است.

دوم، در ماده «۲۸س» سند الحاقی، حالات متفاوتی برای مسئولیت کیفری اعمال‌شدنی برای هریک از جرایم یا تخلفات منظور شده در این اساسنامه عنوان می‌شود.

فهرست جامع شامل اغوا کردن، تسهیل، تأمین مالی، مشارکت در مقام آمر و عامل یا شریک جرم، معاونت در جرم و مشارکت در توطئه است. مشخص نیست این مقرره چه رابطه‌ای با حالات مسئولیت کیفری عنوان‌شده در تعریف این جرایم دارد. به عنوان نمونه، وفق ماده ۲۸ چ(ب)، جرایم تروریستی یعنی ترفیع، حمایت مالی، معاضدت، فرماندهی، کمک، اغوا، ترغیب، مبادرت، تهدید، معاونت، سازماندهی، یا کارپردازی هر شخص با قصد ارتکاب هر فعل نامبرده در زیرپاراگراف(الف)(۱) تا(الف)(۳).

سوم اینکه به خلاف اساسنامه روم یا اساسنامه دیگر دیوان‌ها و محاکم تازه تأسیس بین‌المللی یا بین‌المللی شده، در سند الحاقی به اساسنامه دیوان آفریقا در مورد سایر مسائل اصلی مسئولیت کیفری نظیر شروط الزامی قصد ارتکاب جرم سکوت شده است. در ماده ۲۸ چ(ب) اعمالی جرم‌انگاری می‌شود که با قصد ارتکاب هریک از اعمال شامل هرگونه ترفیع، حمایت مالی، معاضدت، فرماندهی، کمک، یا کارپردازی هر شخص با قصد ارتکاب به هریک از اعمال نامبرده در



زیرپاراگراف‌های «الف ۱» تا «الف ۳» انجام شده باشند. در سند الحاقی، هیچ مقرر عمومی درخصوص قصد ارتکاب این جرایم درج نشده است و باز هم دلیل فقدان مقرر صریح آن است که مقررهای این اساسنامه از حقوق معاهدات اقتباس شده‌اند. در اینجا هم مثل دیوان‌های ویژه سازمان ملل متحد، تعیین شروط الزامی عمومی قصد ارتکاب جرم به عهده قضات دیوان آفریقاست.

به خلاف دیگر جرایم مشمول صلاحیت دیوان آفریقا، بنابه تعریف و به شکلی قابل ملاحظه تضمین نمی‌شود صلاحیت دیوان بر اعمالی متمرکز شده باشد که ویژگی بسیار خطیر یا فرا ملی دارند و صرفاً محدود به این اعمال باشند. برای مثال، مطابق با ماده «۲۸خ» سند الحاقی، صلاحیت دیوان آفریقا بر جرم فساد (اخلاقی) به اعمالی محدود می‌شود که ماهیت خطیری دارند که ثبات کشور، منطقه یا اتحادیه را متاثر می‌سازند. با در نظر گرفتن ماهیت این جرایم و ریشه‌شان در معاهدات بین‌المللی، یک معرف احتمالی دیگر، الزامی بودن تأثیرگذاری رفتار جنایی بر چند کشور است. در نبود این محدودیت رسمی، صلاحیت دیوان آفریقا در مورد جرم تروریسم شامل حوادث جزئی مثل خسارت جزئی به اموال است که با هدف تحریک عامه مردم، مثلاً برای اعتصاب کردن، ایجاد شده باشد.

نتیجه‌گیری

به طور کلی دیوان آفریقا قادر به رسیدگی کارآمد به تمامی عرصه‌های جرم و جنایت خطیر ارتكابی در سراسر این قاره و فقط توسط یک شعبه دادرسی متشکل از سه قاضی باشد. خطر فزون‌باری نهادهای قضایی کاملاً آشکار است و با نگاهی به محاکم کیفری بین‌المللی موجود که البته حکم کار محدودتری دارند، مشهود است. بنابراین، گسترش صلاحیت کیفری در ضمن تسریع به افزایش فعالیت دیوان، به وضوح از حد ظرفیت آن فراتر خواهد رفت. با توجه به این امر، شعب کیفری دیوان آفریقا باید پس از تشکیل یافتن، از همان آغاز و بیشتر از آنچه دیوان کیفری بین‌المللی در سال‌های اول کار خود نشان داد، اصل صلاحیت تکمیلی، از جمله صلاحیت تکمیلی مثبت، تقریری در ماده «۴۶الف» سند الحاقی را تأیید کند که از مقرر متناظرش در اساسنامه روم الگوبرداری شده است.



از جنبه فنی، در ماده «۲۸ الف» سند الحاقی به اساسنامه دیوان آفریقا، لااقل از نظر جمله‌بندی یک جمله کاملاً به‌شکلی است که صلاحیت این دیوان بر جرایمی که موجودیت دارند در آن تعیین می‌شود (دیوان از اختیار دادرسی... برخوردار خواهد بود). در برخی موارد، در مقرره‌های اختصاصی سند الحاقی خود جرم مشخص شده است، اما در اکثر موارد، در مقرره‌های این الحاقیه تنها رفتار مشمول صلاحیت دیوان آفریقا بدون جرم‌انگاری آن مثلاً بدون مقرر کردن جرم توصیف نموده‌اند. در چنین مواردی ظاهراً در الحاقیه فرض شده است که جرایم فراملی تحت صلاحیت دیوان در جای دیگری موجودند؛ مثل جرایم نسل‌کشی، علیه بشریت و جنگی و جرم تجاوز که به موجب حقوق بین‌الملل عرفی مقرر شده‌اند. از طرف دیگر، در ماده «۴۶ ب ۱» سند الحاقی نشان داده می‌شود که در اساسنامه اصلاح‌یافته دیوان آفریقا به صورت الحاقی به خود سند الحاقی این جرایم مقرر شده است.

به علاوه، اسناد حقوقی و نهادهای بین‌المللی مشابه نظیر دیوان کیفری بین‌المللی هم چندان بی‌نقص نیستند. شایسته است که ایده اصلی سند الحاقی به اساسنامه دیوان آفریقا از جنبه ابتلا به بدترین آسیب‌های قاره آفریقا، که در داخل کشورها در دیوان احتمالاً بی‌طرفی رسیدگی و قضاوت می‌شوند، بسیار جدی گرفته شود. با مرور زمان می‌توان دریافت که دیوان آفریقایی جدید به طور اساسی امکان تحول و توسعه در نظام فعلی عدالت کیفری بین‌المللی را خواهد داشت.

منابع و مأخذ:

- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۷)، «توسعه تدریجی عدالت کیفری منطقه‌ای با تأکید بر دیوان آفریقایی دادگستری و حقوق بشر»، پژوهش حقوق کیفری، ش ۲۲.
- زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۲)، «تعهد به عدم همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی و آینده مبهم عدالت کیفری در قاره سیاه»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ش ۲.
- عبداللهی، محسن (۱۳۸۴)، «مفهوم تروریسم بین‌المللی و تعریف آن در جامعه بین‌المللی»، در: سرکوب تروریسم در حقوق بین‌الملل معاصر،

تهران: انتشارات معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات
ریاست جمهوری، چاپ اول.

- Ambos Kai(2013), *Treatise on International Criminal Law*, Vol. II: *The Crimes and Sentencing*, Oxford University Press, Oxford.
- Boister, Neil(2012), *An Introduction to Transnational Criminal Law*, Oxford University Press, Oxford.
- Chehtman, Alejandro(2016), "Terrorism and the Conceptual Divide Between International and Transnational Criminal Law", in: Van Der Wilt H(ed), *Legal Responses to Transnational and International Crimes: Towards an Integrative Approach?*, Edward Elgar Publishers, Cheltenham.
- Eboe-Osuji, Chile(2019), "Chile Administering International Criminal Justice through the African Court Opportunities and Challenges in International Law", in: *The African Court of Justice and Human and Peoples' Rights in Context: Development and Challenges*, Edited by Charles C. Jalloh, and Kamari M. Clarke, Cambridge University Press.
- Jeßberger, Florian(2017), "Piracy(Article 28F), Terrorism (Article 28G) and Mercenarism(Article 28H)", in: G. Werle and M. Vormbaum(eds.), *The African Criminal Court; A Commentary on the Malabo Protocol*, Asser Press by Springer.
- Saul, Ben(2015), "Terrorism as a Transnational Crime", in: Boister N, Currie R(eds), *Routledge Handbook of Transnational Criminal Law*, Routledge, London.
- Saul, Ben(2019), "The Crime of Terrorism within the Jurisdiction of the African Court of Justice and Human and Peoples' Rights: Article 28G of the AU's Malabo Protocol 2014", in: *The African Court of Justice and Human and Peoples' Rights in Context: Development and Challenges*, Edited by Charles C. Jalloh, and Kamari M. Clarke, Cambridge University Press.
- Ramdeen, Marisha(2017), "Countering Terrorism and Violent Extremism in Africa", <https://www.accord.org.za/conflict-trends/countering-terrorism-violent-extremism-africa>.
- Werle, Gerhard, Florian Jeßberger(2014), *Principles of International Criminal Law*, 3rd Edn. Oxford University Press, Oxford.
- Wedi Djamba, Dieu-Donné(2018), "The African Court of Justice and Human Rights", africancourtcoalition.org.

